

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه هشتاد و چهارم، ۱۱ اسفند ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه (بوسه/ربا/حرمت ربا به ادله اربعه

### 1- حدیث اخلاقی (عُجَب)

یکی از رذائل اخلاقی‌ای که انسان باید مراقب آن باشد، این است که انسان باید دچار عجب نشود. عنایت دارید در مال، قناعت مطلوب است، ولی در علم، قناعت مطلوب نیست؛ هرچه برای کمالات علمی تلاشش بیشتر باشد، به مرحله برتر و بهتر می‌رسد و مطلوب است. متأسفانه یکی از چیزهایی که انسان را از علم‌آموزی و رشد علمی باز می‌دارد و در حقیقت، آفت علم است، عجب و خودپسندی است؛ این که انسان به جایی برسد که بگوید، فهم من و علم من و مال من و دوستی من و دیگر نسبت‌ها را به خودش دهد.

#### 1.1- عجب، مانع طلب علم

روایت امام هادی علیه‌السلام: «العجب صارف عن طلب العلم»؛ [1]

عُجَب، انسان را از طلب دانش و علم باز می‌دارد؛ باعث غرور انسان و رکود او می‌شود. عجب در علم، عامل رکود است. هرچه در علم، عامل رکود باشد، نامطلوب است.

#### 1.2- عجب در عبادت، عامل سقوط عابد

حضرت امام صادق علیه‌السلام در علل الشرایع، فرمایش زیبایی دارند: «دو نفر وارد مسجد می‌شوند؛ یکی عابد است و دیگری خدای نخواستہ فاسق؛ در حالی از مسجد خارج می‌شوند که عابد، فاسق و فاسق، از صدیقین شده‌اند؛ علتش را می‌فرمایند: به خاطر اینکه عابد که وارد مسجد شد، همیشه به این فکر کرد که چه انسان عابدی هست و چقدر عبادت کرده است؛ فخر و عجب به عبادتش داشت؛ ولی فاسق، فکرش این بود که چگونه توبه کند و پشیمان بود و توبه و استغفار کرد»؛ [2] او با عجبش، از کمالاتش ماند، ولی فاسق با توبه‌اش، مقاماتی به دست آورد.

#### 1.3- گناه با پشیمانی، بهتر از کار نیک با عجب

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، در حکمت ۴۶ نهج‌البلاغه، فرمودند: «سَيِّئَةٌ تَسُوءُكَ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ»؛ [3] سیئه‌ای که شما را بد آید، بهتر از خوبی است که باعث عجب شما بشود.

#### 1.4- اقسام عجب

عجب، متعلقات مختلفی دارد: گاهی جمال، گاهی ذکاوت، فامیل، رفاقت، مسئولیت، هواداری و طرفداران، رأی و نظر، نوشته و قلم؛ عجب‌ها، متعلقاتش خیلی زیاد است. در یک جمله، عجب می‌تواند متعلقش هر چیزی باشد که انسان شگفت‌زده آن شود؛ از حالات خود و بستگان و فرزندان.

#### 1.5- راه درمان عجب

راه درمانش این است که فکر کند که با کوچک‌ترین چیزی، از بین می‌رود؛ زیبایی، با یک تب یا بیماری از بین می‌رود؛ به قول سعدی:

«بر مال و جمال خویشتن غره مشوکاین را به شبی برند و آن را به تبی [4]»

هر چیزی، با کوچک‌ترین تلنگری از بین می‌رود. متأسفانه افرادی به فامیل و برادر و پدر و ... عجب زده می‌شوند؛

«گیرم پدر تو بود فاضل از فضل پدر تو را چه حاصل [5]»

آدم باید خودش به نتیجه برسد. پیش برود تا به جایی برسد که به قول شاعر:

«از مردمک دیده ببايد آموختدین همه کس را و ندیدن خود را [6]»

همه کس را ببینیم، ولی خود را نبینیم؛ مانند: مردمک چشم.

ان شاء الله از این رذیله اخلاقی، به سلامت عبور کنیم.

#### 2- خلاصه جلسه گذشته

در فروش استقراضی سهام به تناسب، بحث ربا را مطرح کردیم. گفتیم: ربا، به ادله اربعه حرام است. آیات و برخی روایات را مطرح کردیم.

#### 3- تواتر روایات حرمت ربا

از روضة‌المتقین مرحوم مجلسی غفلت نکنید؛ در ذیل روایات بحث ربا، می‌فرماید:

«یمكن أن یقال بتواترها»؛ [7] می‌توان گفت: روایات، به حد تواتر رسیده است. اگر به حد تواتر برسد، حجیت مخصوصی دارد.

#### 4- برخی دیگر از روایات مربوط به حرمت ربا

در روایات بودیم؛ در ابواب الربا؛ وسائل را ملاحظه می فرمایید.

در مستدرک الوسائل، هم برخی روایات صحیحه است.

«یا علی درهم ربا اعظم عند الله من سبعین زنیة...» [8]

در برخی روایات، حدود سی مرتبه تشبیه ربا را به گناهان کبیره داریم؛ اینها دلیل بر این است که ربا، نامطلوب است و باید جلوگیری شود.

در برخی روایات هست:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَعَنَ الرِّبَا وَآكَلَهُ وَمَوَكَلَهُ وَبَاعَهُ وَمَشْتَرِيَهُ وَكَاتِبَهُ وَشَاهِدِيَهُ» [9].

فریقین، قائل به حرمت هستند. بیهقی، در سنن کبری، روایات اهل سنت را نقل می کند [10].

نفرین ملائکه، بر کسی است که ربا خواری کند [11].

در برخی روایات هست که رسول مکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که مهمان رباخوار شود و از غذایی که او استفاده می کند بخورد، یا خودش رباخوار باشد، یا ربا دهنده باشد، یا محاسب ربا دهنده باشد، یا شاهد بر ربا باشد، خدا او را لعنت می کند [12].

کمر موردی داریم که این گونه روایات در آن داشته باشیم.

روایت امام باقر علیه السلام هم خواندیم که: «أَخْبَثَ الْمَكَّاسِبُ، كَسْبَ الرِّبَا»؛ [13] کثیف ترین و بدترین معاملات، معاملات ربوی است.

من الفاظ رسول الله صلی الله علیه و آله الموجزة: «شَرَّ الْمَكَّاسِبِ، كَسْبُ الرِّبَا»؛ [14] بدترین کسبها ربا است.

امام صادق علیه السلام: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ هَلَاكًا، ظَهَرَ فِيهِمُ الرِّبَا»؛ [15] خدا وقتی می خواهد قومی را هلاک کند، در میان آنها ربا را ظاهر می کند؛ ربا، عامل فساد جوامع است.

پنج چیز است که انسان را در آتش می کشاند: «خَمْسَةُ أَشْيَاءَ تَقَعُ بِخَمْسَةِ أَشْيَاءَ، وَلَا بَدَ لَتَلِكِ الْخَمْسَةِ مِنَ النَّارِ: مَنْ أَتَجَرَ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَلَا بَدَ لَهُ مِنْ أَكْلِ الرِّبَا، وَلَا بَدَ لِأَكْلِ الرِّبَا مِنَ النَّارِ»؛ [16]

در حرمت ربا هیچ شکی نیست.

5-دلیل سوم بر حرمت ربا: اجماع

ما اجماع را دلیل مستقل نمی دانیم؛ ولی به عنوان مؤید می پذیریم. در کلمات فقها، ادعای اجماع شده است.

### 5.1- کلام صاحب جواهر رحمه الله مبنی بر اجماعی بودن حرمت ربا

مرحوم صاحب جواهر رحمه الله می فرمایند:

«الفصل السابع في الربا:

المحرم كتابا وسنة وإجماعا من المؤمنين بل المسلمين، بل لا يبعد كونه من ضروريات الدين، فيدخل مستحلة في سلك الكافرين»... [17]

کسی که بگوید: ربا، اشکال ندارد، منکر ضروری دین است و کافر است.

### 5.2- کلام ابن قدامه مبنی بر اجماعی بودن حرمت ربا

ابن قدامه در مغنی می گوید:

«الربا في اللغة: هو الزيادة ... و أجمعت الامة على أن الربا محرم»؛ [18]

اجماع فریقین است.

### 6- دلیل چهارم بر حرمت ربا: عقل

دلیل عقلی

خیلی ها دلیل عقلی را نگفتند. ما ربا را از مصادیق ظلم می دانیم. عقل می گوید: ظلم، قبیح است. حرمت ظلم، از مستقلات عقلیه است. رباخواری، به دلیل عقلی هم حرام می شود. در نتیجه، می توانیم بگوییم: ادله اربعه، دلیل بر حرمت ربا است؛ آیات، روایات، اجماع و دلیل عقلی.

### 7- فلسفه حرمت ربا در آیات و روایات

خدا رحمت کند مرحوم شیخ صدوق را که خیلی از علل احکام را در علل الشرائع آورده است؛ از آن غفلت نکنید.

چرا باید نسبت به ربا این قدر اهمیت داد و حرام است؟

### 7.1- ربا، مصداق اکل مال به باطل

فلسفه خیلی از احکام برای ما معلوم نیست؛ ولی برای ربا گفته اند.

### 7.1.1- آیه اکل مال به باطل

ربا، اکل مال به باطل است؛ چرا که سودی است که هیچ مدرک عقلی ندارد. در تاریخ هست که ربا، سیره یهودی‌ها بود. دلیل حرمتش این است که اکل مال به باطل است؛ ﴿لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ [19].

### 7.1.2- روایت اکل مال به باطل

حضرت امام هشتم علیه‌السلام به نقل جناب محمد بن سنان، در علل الشرائع [20] و وسائل هست:

نسبت به محمد بن سنان، حرف‌های مختلفی است. عبدالله بن سنان ثقه است و این محمد بن سنان، غیر از عبدالله بن سنان است؛ برخی محمد بن سنان را چون از اصحاب امام رضا علیه‌السلام می‌دانند و اصحاب اجماع از او نقل کرده‌اند، قابل اعتماد است.

«وإسناده عن محمد بن سنان ان علي بن موسى الرضا عليه السلام كتب إليه فيما كتب من جواب مسائله : وعلة تحريم الربا لما نهى الله عزّ وجلّ عنه ، ولما فيه من فساد الاموال ، لان الانسان إذا اشترى الدرهم بالدرهمين ، كان ثمن الدرهم درهمًا وثمان الآخر باطلا ، فبيع الربا وشراؤه وكس على كل حال ، على المشتري وعلى البائع ، فحرم الله عزّ وجلّ على العباد الربا لعله فساد الاموال ، كما حظر على السفية أن يدفع إليه ماله ، لما يتخوف عليه من فساده حتى يؤنس منه رشد ، فلهذه العلة حرم الله عزّ وجلّ الربا ، وبيع الدرهم بالدرهمين ، وعلة تحريم الربا بعد البيئنة لما فيه من الاستخفاف بالحرام المحرم ، وهي كبيرة بعد البيان وتحريم الله عزّ وجلّ لها ، لم يكن إلا استخفافا منه بالمحرم الحرام ، والاستخفاف بذلك دخول في الكفر ، وعلة تحريم الربا بالنسيئة لعله ذهاب المعروف ، وتلف الاموال ، ورغبة الناس في الربح ، وتركهم القرض ، والقرض صنائع المعروف ، ولما في ذلك من الفساد والظلم وفناء الاموال [21].»

یک درهم مقابل دو درهم، باطل است؛ چون یک درهمش، اضافی و اکل به باطل است.

### 7.2- حلیت ربا، عامل ترک تجارت حلال بین مردم

دلیل دیگر برای حرمت ربا در روایات هست؛

محمد بن علی بن الحسین باسناده عن هشام بن الحكم أنه سأل أبا عبدالله عليه‌السلام عن علة تحريم الربا؟ فقال: «انه لو كان الربا حلالا لترك الناس التجارات وما يحتاجون إليه، فحرم

الله الربا لتنفّر الناس من الحرام إلى الحلال وإلى التجارات من البيع والشراء، فيبقى ذلك بينهم في القرض»؛ [22]

هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام، از علت تحریم ربا پرسید؛ حضرت فرمودند: اگر ربا حلال می‌شد، انسان‌ها از تجارت‌ها محروم می‌شدند؛ خداوند ربا را حرام کرد، تا مردم از حرمت‌ها پرهیز کنند.

### 7.3- ربا، مصداق ظلم

علت دیگر حرمت ربا این است که مصداق ظلم است؛ ﴿لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ در آیه ۲۷۹ سوره بقره، مصداقش ربا است. همان‌طور که در حدیث محمد بن سنان هم گذشت: «و لما فی ذلک من الفساد و الظلم.»

### 7.4- بازداشته نشدن مردم از کارهای خیر مانند قرض الحسنه

همچنین ربا باعث می‌شود که انسان‌ها از کسب معروف، محروم شوند.  
سماعة نقل می‌کند:

«وعنهم، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن عثمان بن عيسى، عن سماعة قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام: إني رأيت الله تعالى قد ذكر الربا في غير آية وكرره، قال: أو تدري لم ذاك؟ قلت: لا، قال: لئلا يمتنع الناس من اصطناع المعروف [23].»

حدیث، صحیح است. سماعه، از اصحاب امام صادق علیه السلام است. علت نهی از ربا این است که مردم، از کارهای شایسته، بازداشته نشوند؛ از وام‌ها و قرض الحسنه محروم نشوند؛ سراغ کارهای خیر بروند و سراغ ربا نروند؛ این، همان مباحث قرض الحسنه است؛ در وسائل هست که صدقه، ده برابر ثواب دارد، ولی قرض، هجده برابر ثواب دارد [24].

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾ [25].

### 7.5- اختلال نظام اجتماعی و سقوط اخلاق

جهت دیگر تحریم ربا این است که ربا، از چیزهایی است که مسائل اخلاقی و حسن جامعه را به هم می‌ریزد.

### 8- نتیجه

نتیجه اینکه ربا به ادله اربعه، حرمت دارد و شکی در آن نیست. هر معامله‌ای که ربا باشد، شکی در حرمتش نیست. اگر فروش استقراضی سهام مصداق ربا شود، شکی در حرمتش نیست.

---

[1] [مستدرک سفینه البحار، النمازی، الشیخ علی، ج ۷، ص ۸۷.](#)

[2] [علل الشرائع، الشیخ الصدوق، ج ۲، ص ۳۵۴.](#)

[3] [نهج البلاغه، الدشتی، محمد، ج ۱، ص ۳۲۵، حکمت ۴۶.](#)

[4] [سعدی.](#)

[5] [نظامی.](#)

[6] [خواجه عبدالله انصاری.](#)

[7] [روضه المتقین، المجلسی، محمد تقی، ج ۷، ص ۲۷۲.](#)

[8] [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۱۸، ص ۱۲۲، أبواب الربا، باب ۱، ح ۱۲، ط آل البيت.](#)

[9] [مستدرک الوسائل، المحدث النوری، ج ۱۳، ص ۳۳۶.](#)

[10] [السنن الکبری، البیهقی، أبو بکر، ج ۵، ص ۴۵۱.](#)

[11] [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۱۸، ص ۱۲۲، أبواب الربا، باب ۱، ح ۱۵، ط آل البيت.](#)

[12] [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۱۸، ص ۱۲۷، أبواب الربا، باب ۴، ح ۳، ط آل البيت.](#)

[13] [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۱۸، ص ۱۱۸، أبواب الربا، باب ۱، ح ۲، ط آل البيت.](#)

[14] [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج ۱۸، ص ۱۲۲، أبواب الربا، باب ۱، ح ۱۳، ط آل البيت.](#)

[15] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ١٢٣، أبواب الربا، باب ١، ح ١٧، ط آل البيت.

[16] مستدرک الوسائل، المحدث النوري، ج ١٣، ص ٣٣١.

[17] جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ٢٣، ص ٣٣٢.

[18] المغني، ابن قدامة المقدسي، ج ٤، ص ٣.

[19] نساء/سوره ٤، آيه ٢٩.

[20] علل الشرائع، الشيخ الصدوق، ج ٢، ص ٤٨٣.

[21] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ١٢١، أبواب الربا، باب ١، ح ١١، ط آل البيت.

[22] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ١٢٠، أبواب الربا، باب ١، ح ٨، ط آل البيت.

[23] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ١١٨، أبواب الربا، باب ١، ح ٣، ط آل البيت.

[24] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٦، ص ٣١٩، أبواب فعل المعروف، باب ١١، ح ٥، ط آل البيت.

[25] انعام/سوره ٦، آيه ١٦٠.